

## ۷- جایگزینی واردات در مقابل توسعه صادرات

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، بحث‌های بسیاری در بین سیاست‌گذاران و دانشگاهیان در ارتباط با مزیت‌های نسبی سیاست‌های جایگزینی و واردات و توسعه صادرات و اثرات آنها بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه وجود داشت. بطور کلی بحث‌های طرفداران سیاست‌های حمایتی و استراتژی جهت‌گیری‌های اقتصادی به سمت داخل بر اساس وجود نقائص در مکانیسم‌ها زا رکه رقابت و توسعه را برای کشورهای در حال توسعه مشکل می‌ساخته استوار بود. طرفداران سیاست توسعه صادرات به هزینه‌های توأم با سیاست‌های حمایتی اشاره می‌کردند. در عین حال، تعدادی از کشورهای در حال توسعه اقدام به زمین برداشتن یا کاهش قابل ملاحظه موانع تجاری و سایر محدودیت‌های حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی نمودند. حاصل این اقدام، رشد چشمگیر اقتصادی آنها بود که منجر به این نتیجه‌گیری شد که سیاست‌های توسعه صادرات اثر پویایی بر اقتصاد داخلی داشته و به افزایش نرخ رشد کمک می‌نماید. (به جدول رجوع شود)

سه نکته عمده از تجربه کشورهای آسیایی که سیاست توسعه صادرات را انتخاب کردند بدست آمد:

اولاً، "نرخ رشد قابل ملاحظه‌ای این کشورها با رشد سریع صادرات توأم بوده است. ثانیاً، "در مورد کلیه کشورهای آسیایی که امکان مقایسه عملکرد آنها قبل و بعد از تغییر سیاست وجود داشته است نرخ رشد پس از اتخاذ استراتژی‌های توسعه صادرات بسرعت افزایش یافته است و ثانیاً، "تداوم نرخهای رشدی بالایشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه صادرات صرفاً"

(۱)

"منافع ایستای" ناشی از بهبود در تخصیص منابع را ایجاد نمیکنند، بلکه اثرات پویایی در اقتصاد دوجودمی آورد.

این مقاله، با مقایسه استراتژیهای توسعه صادرات و جایگزینی واردات، روابط بین توسعه صادرات و عملکرد کلی اقتصاد را بررسی می نماید و سعی در تشریح دلایل تفاوت عملکرد اقتصادهایی دارد که یکی از این دو استراتژی را انتخاب کرده اند.

### تعریف سیاست رشد متکی بر صادرات

oo

اصطلاحات "رشد متکی بر صادرات"، "برون گرایی"، "گسترش صادرات" و "جایگزینی صادرات" همگی برای تعریف سیاست کشورهای ثنی که در گسترش بازاریهای صادراتی خود توفیق یافته اند بکار برده میشوند. اگرچه کشورهای مختلف سیاستهای متفاوتی دارند، لکن خصوصیات مشترک آنها این است که حداقل انگیزه‌های مشابهی برای کسب و صرفه‌جویی ارز داشته و مشوقهای صادراتی آنها نسبتاً "یکسان" است و بین گروه‌های مختلف کالایی تبعیضی قائل نمیشوند.

یک مجموعه سیاستهای توسعه صادرات میتواند چیزی بیش از عدم وجود سیاستهایی که به نفع فروش در بازار داخلی تبعیض قائل میشوند، نباشد. ضابطه تخصیص مطلوب منابع این است که درغایب نیروهای انحصاری در تجارت، "نرخ‌هایی تبدیل" تولید داخلی با نرخ‌هایی

---

(۱): Static gains

(۲): Marginal rate of transformation

نرخ‌هایی تبدیل، یعنی میزانی از یک کالاهای پدیدآورنده، به منظور آزاد سازی منابع برای تولید میزان مشخصی از کالایی دیگر، صرف نظر نمود. (ادامه‌ها در صفحه بعد)

تبدیل بین المللی برابر باشد، نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که کشورهای در حال توسعه با اقصادهای نسبتاً "کوچکتر خود، بعید است که در واردات مصنوعات که غالباً "مورد حمایت است، دارای قدرت انحصاری باشند.

در اصل یک دولت میتواند ضمن اینکه از برخی صنایع در بازار داخلی حمایت میکند، سوبسیدهای صادراتی قابل ملاحظه‌ای را برای سایر صنایع فراهم سازد. لکن، در عمل، بدلائل مختلف حیطة چنین حمایت دوگانه‌ای محدود است، زیرا:

(۱) شیوه‌های حمایتی یا سوبسیدهای صادراتی تنها در صورتی معنی دارد که صادرات نسبت به سایر فعالیتها از امتیازاتی برخوردار باشد.

(۲) حمایت از تعداد زیادی از فعالیتها عموماً "با تشویق صادرات هماهنگ نیست، زیرا صادرکنندگان مصنوعات برای تامین داده‌های مواد خام و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌های خود با یدیه‌آسانی به بازارهای بین المللی دسترسی داشته باشند.

(۳) حمایت در سطوحی که برای تشویق جایگزینی واردات ضروری بنظر میرسد معمولاً "به کنترل شدید (جهت جلوگیری از قاچاق، صدور فاکتور تقلبی و غیره) جهت تضمین سودآوری کافی با زارد داخلی و جلوگیری از صدور کالاهای حمایت شده نیاز دارد.

بنابراین بیشتر تحلیل گران موافقت مینمایند که یک استرا-

تژی توسعه صادرات آن است که در آن گرایش در جهت تشویق تولیدات (بقیه‌ها ورقی صفحه قبل)

کالای A در صورتی میتواند تبدیل به کالای B شود که تولید کالای A کاهش یا بدون مانع برای تولید کالای B انتقال یا بند. نرخ نهایی تبدیل نشان میدهد که با کاهش یک واحد از تولید کالای A، تولید کالای B به چه میزان افزایش خواهد یافت.

جایگزین واردات وجود ندارد. هر میزان مشوقی که وجود دارد با دید برای تولید صادراتی بهمان اندازه - اگر نه بیشتر - از تولید جهت با زار داخلی تشویق قائل شود. چنین استراتژیی عموماً "کمتر از یک استراتژی - جایگزینی واردات، از اصول تجارت آزاد و برابری مشوقها منحرف میشود. نگاهی به برخی از کشورها و خطه‌هایی که بعنوان صادرکننده موفق بوده‌اند (در مقطع خاصی از زمان یا بطور مداوم)، نشان دهنده حدود و تعدد سیاست‌هایی است که دنبال شده‌اند. چنین بنظر میرسد که سنگا پور سیاست دخالت دولت در امور اقتصادی را دنبال کرده است در حالی که هنگ‌کنگ اقتصادی کاملاً آزاد داشته است و کشورهای برزیل، کره جنوبی و تایوان ما بین این دو حالت بوده‌اند. عموماً "مداخله دولت بیشتر بصورت مشوقها بوده است تا وضع کنترل‌های مستقیم. اکثر کشورهای موفق در صادرات نیز به جای تفاوت قائل شدن برای برخی گروه‌های کالا - مشوقها را برای تمامی کالاها منظور داشتند.

### خصوصیات برجسته

.....

ویژگیهای سیستمهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات بر - حسب شرایط محلی، خصوصاً شرایط حاکم بر بازار تولید، بسیار متفاوت میباشد. با این وجود، ویژگیهای نسبتاً مشابهی نیز وجود دارد که در اینجا برای روشن نمودن تفاوت‌های سیستم جایگزینی واردات و توسعه صادرات میتوان به برخی از آنها اشاره کرد:

- سیستمهای جایگزینی واردات دارای روشهای خشک و وقت‌گیری برای کسب مجوز ورود کالاها، تولیدی (سرمایه‌ای) میباشد. سیستمهای توسعه صادرات اجازه دستیابی سریع به واردات کالاها و واسطه‌های و

سرمایه‌ای را حداقل برای صادرکنندگان فراهم میسازند. از جمله  
وجه مشخصه سیستمهای جایگزینی واردات، یکی نرخهای ارز بالاتر از  
ارزش واقعی میباشد (که تقاضای اضافی برای ارزش خارجی را - کسبه  
از طریق مجوزهای وارداتی کنترل میشود - افزایش میدهد). از  
آنجا که تولیدکنندگان کالاهای جایگزین واردات، در پشت موانع  
حمایتی سیستم جایگزینی واردات برای تولیدات خود قیمت بسیار  
بالتری را نسبت به بازار جهانی دریافت می کنند، بندرت تمایل به  
گسترش تولیدات خود در سطحی فراتر از تقاضای بازار داخلی دارند.  
اما سیستمهای توسعه صادرات نرخهای ارز نسبتاً " واقعی تری دارند  
و بیشتر از داخل، و حداقل برابر با آن، انگیزه فروش در خارج را  
فراهم میسازند.

- برای تداوم سیستم جایگزینی واردات معمولاً " به ممنوعیت واقعی  
واردات، چه از طریق ممنوعیت مستقیم واردات و چه از طریق وضع  
تعرفه‌های گسترده بر روی محصولات مختلف بطوریکه واردات آنها را  
غیر اقتصادی و بدون صرفه سازد، احتیاج است. در سیستم توسعه  
صادرات اغلب مشوقها بطوریکسان شامل حال صادرکنندگان میگردد و  
بر مبنای ارزش یا ارزش افزوده فروشهای صادراتی میباشد.

- از خصوصیات دیگر سیستمهای جایگزینی واردات، وجود محدودیتهای  
کمی یا تعرفه‌های بازدارنده برای بسیاری از کالاها میباشد.  
سیاستهای توسعه صادرات معمولاً از محدودیتهای کمی اجتناب ورزیده  
و تعرفه‌هایی نازل و روشهایی ساده را بکار می برند، تا صادرکنندگان  
امکان دستیابی به بازارها و قیمت‌های بین المللی را برای داده -  
های مورد نیاز خود داشته باشند.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دلیل عمده اتخاذ سیاست

جایگزینی واردات، تحرک بخشیدن به رشد صنعتی است، در هر دو استراتژی جایگزینی واردات و توسعه صادرات معمولاً " نرخ رشد صنعتی بالاتر از نرخ رشد سایر بخشهای اقتصادی است. لکن، بنظر میرسد که در استراتژی توسعه صادرات نرخ رشد صنعتی بالاتر بوده و تولید مواد اولیه نسبت به استراتژی جایگزینی واردات رشد سریعتری داشته باشد. چنین بنظر میرسد که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، جایگزینی واردات که بعنوان ابزار کاهش وابستگی به اقتصاد بیسن-المللی توجیه میشود، در واقع این وابستگی را افزایش میدهد، زیرا در این سیستم فعالیتها نیاز به واردات دارد و برای تداوم تولید و رشد لازم است که کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از خارج وارد گردد. بنابراین اقتصاد کشور در صورت کاهش دستیابی به ارز، آسیب پذیر میشود. در مقابل، بنظر میرسد که سیاست توسعه صادرات وابستگی را کاهش میدهد، بدین معنی که درآمدهای ارزی سریعاً " رشد یافته، بازارها بطرز فزاینده‌ای تنوع یافته و اقتصاد بطور روزافزونی انعطاف بیشتری پیدا میکند.

راه‌اندازی یک سیاست جایگزینی واردات نسبتاً " آسان است. قوانین صریح و ساده‌ای که حمایت و واردات قابل رقابت را ممنوع میسازد، انگیزه‌های لازم برای چند سرمایه‌گذاری جدید را فراهم میسازد. همچنانکه سرمایه‌گذاری‌ها افزایش می‌یابد، نظارت و تداوم این استراتژی روز بروز مشکل‌تر و پرهزینه‌تر میشود. از سویی دیگر، شروع یک استراتژی توسعه صادرات مشکل است و نیاز به ترکیبی از سیاستها و تصمیمات دولت دارد که دستیابی به آن از نظر سیاسی دشوار است. لکن، پس از شروع، یک استراتژی توسعه صادرات در زمینۀ تداوم خود و شتاب گرفتن شانس بیشتری دارد. عرضه روزافزون ارز امکان

آزادسازی بیشتر واردات را فراهم می سازد و این امر تمایل سیستم را نسبت به صادرات تقویت می کند .

تجربه صادرکنندگان موفق

کشور	دوره	نرخ رشد سالانه (درصد)		(درصدی از تولید ناخالص داخلی)*	
		تولید ناخالص داخلی واقعی	ارزش دلاری صادرات	صادرات	سرمایه گذاری
برزیل	۱۹۶۰-۶۷	۴/۱	۳/۷	۷	۱۴
	۱۹۶۸-۷۳	۱۱/۵	۱۶/۵	۸	۲۳
هنگ کنگ	۱۹۶۳-۷۸	۸/۲	۹/۲	۹۹	۲۸
	۱۹۵۳-۶۰	۵/۲	۵/۷	۳	۱۱
کره جنوبی	۱۹۶۰-۷۸	۹/۶	۲۸/۴	۲۹	۳۵
	۱۹۶۵-۷۸	۸/۶	۸/۷	۱۸۷	۳۹
تایوان	۱۹۶۰-۷۶	۸/۷	۲۰/۹	۴۷	۲۸

منابع : سازمان ملل متحد، کتاب سالانه آمار حسابهای ملی، ۱۹۶۶، ۱۹۷۵، ۱۹۷۹، بانک جهانی، گزارش توسعه جهان ۱۹۷۸ (برای تایوان) و سال ۱۹۸۱.  
 (\* ) : در آخرین سال دوره زمانی موردنظر.

## عوامل موثر در عملکرد

oooooooooooooooooooooooooooo

سه گروه از عوامل در تفاوت عملکرد اقتصادهای با سیستم جایگزینی واردات و توسعه صادرات موثراند. در بین کشورهای مختلف، با توجه به شرایط محلی (نظیر وسعت کشور و منابع طبیعی) و تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی آنها که بر روی عملکرد سیاستمداران و دولت‌مردان و رابطه بین دولت و بخش تجاری اثر میگذارد، اهمیت نسبی و مطلق این سه گروه عوامل نیز متغیر است.

این سه گروه عبارتند از: (۱) عوامل تکنولوژیکی. (۲) عوامل اقتصادی. (۳) ملاحظات سیاسی - اقتصادی. عوامل تکنولوژیکی ماهیت تابع تولید را در بر میگیرد که شامل میزان تقسیم نا پذیرها و صرفه جویی‌های مقیاس تولید و سرمایه‌بری تولید داخلی رقیب واردات می‌باشد. عوامل اقتصادی به پدیده‌هایی مانند، واکنش مردم نسبت به مشوقها و کنترل‌های مستقیم، اثر ساختار صنعتی بر رفتار اقتصادی و قابلیت انعطاف اقتصاد اشاره دارد. ملاحظات سیاسی - اقتصادی به عواملی که در تصمیم‌گیری در مورد ایجاد یا تغییر سیاستهای اقتصادی اثر میگذارد، ارتباط دارد.

## عوامل تکنولوژیکی

oooooooooooooooooooooooooooo

وسعت بازارها - در سیاست جایگزینی واردات، کوچک‌سازی بازارهای داخلی کشورهای در حال توسعه، رشد اقتصادی آنها را محدود می‌سازد، حتی برخی از کشورهای در حال توسعه پر جمعیت دارای بازارهایی هستند که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته نسبتاً "کوچک" می‌باشد. برای مثال، بنگلادش دارای درآمد غیرکشا ورزی تقریباً "معادل ۳ درصد درآمد



غیرکشا ورزی سوئد و کمتر از ۲ درصد در آ مد غیرکشا ورزی کانادا است، در حالیکه هیچ یک از این دو کشور دارای اقتصادی بحد کافی وسیع نیستند تا از منافع تقسیم کار و تجارت بین المللی صرف نظر نمایند. برآورد میشود که با زار هند علیرغم جمعیت فراوانش، از نظر ارزش تولیدات صنعتی کمتر از  $\frac{1}{4}$  با زار آلمان فدرال است.

سیاستهای جایگزینی واردات ذاتاً "تعامل به تشویق گسترش هر یک از صنایع حداکثر تا حد تا مین با زار داخلی دارد (زمانیکه قیمت کالاها بالاتر باشد، با زار کوچکتر است)، و تحت این استراتژی، گسترش یک فعالیت فرا ترا ز حد فروش در با زار داخلی، بندرت سودآور است. در حالیکه در استراتژی توسعه صادرات فعالیتهای کارآمد، میتواند بدبخوبی تا حدی بالاتر از با زار داخلی گسترش یابند.

**تقسیمنا پذیری و صرفه جویی های مقیاس تولید - در فعالیتهای و**  
مراحل از تولید که تا حدی زیاد قابل تقسیم هستند و با زده ثابتی نسبت به مقیاس تولید دارند، اندازه واحد تولیدی اهمیتی ندارد. لکن فعالیت های دیگری وجود دارند که در آنها یک یا چند تقسیمنا پذیری اهمیت مییابد، یا صرفه جویی های قابل توجهی در مقیاس تولید وجود دارد. بهره برداری از ظرفیت کامل تجهیزات سرمایه ای (مثلاً "دستگاههای پرس سنگین)، نیاز به حجم قابل ملاحظه ای از تولید دارد. همچنین بسیاری از صنایع (مانند کود شیمیائی و لاستیک سازی) نیاز به حداقل اندازه ای برای کارخانه دارند تا کارآیی لازم را پیدا کنند. سایر فرآیندها به تولید اجازه تقسیم به مراحل بیشمار را که براحتی قابل تغییر باشند میدهد. بسیاری مثال در اکثر فعالیتهای ریخته گری فلزات، پرس و قالب ریزی، هرگاه قرار باشد شکل جدیدی از محصول تولید شود، باید قالبها تغییر یابند و هیچگونه تغییر بینابینی امکان پذیر نیست. هرچه دوره تولید برای

یک محصول خاص فلزی طولانی تر باشد، هزینه‌های ثابت نسبت به هزینه‌های متغیر کوچکتر میشود.

از آنجا که سیاستهای جایگزینی واردات، عموماً "صنایع محلی را به اتکال بر فروش در بازار داخلی محدود میکنند، این امر منجر به دوره تولید کوتاه و متوسط هزینه متغیر با لامی شود. در استراتژی توسعه صادرات، به یک کشور در حال توسعه، بدون توجه به وسعت بازار داخلی، اجازه تاسیس کارخانه‌هایی در مقیاس‌های کارآ و اقتصادی و حفظ دوره‌های بلند مدت تولید داده میشود. بنا بر این در یک اقتصاد متکی بر توسعه صادرات، میتوان بر محدودیتهای بازار کوچک داخلی، لاقول در زمینه‌های مورد مبادله، تا حد زیادی فائق آمد. تحت چنین سیستمی تولیدکنندگان در یک کشور در حال توسعه کوچک، میتوانند کالاهای تخصصی را که در داخل تولید نمیشود، با قیمتهای قابل رقابت جهانی دریافت کنند. در مقابل، در سیستم جایگزینی واردات، بدلیل مراحل دریافت مجوز واردات و محدودیتهای وارداتی، تاخیر قابل ملاحظه‌ای در بدست آوردن اقلامی که در داخل تولید نمی‌شود وجود دارد و این که تولیدکنندگان بایجاد این اقلام از منابع پرهزینه (و احتمالاً انحصاری) داخلی تا مینمایند.

**نسبت ترکیب عوامل تولید - کشورهای در حال توسعه معمولاً**  
دارای نیروی کار فراوان غیر ماهر میباشند. نرخ تشکیل سرمایه فیزیکی و انسانی (به مفهوم گسترده آنها) محدودیتی برگسترش بخش صنعت در این کشورها تحمیل نمی‌نماید. زمانیکه نسبت عوامل انسانی و فیزیکی بکار گرفته شده در بخشهای مختلف صنعت بنحوقابل ملاحظه‌ای تفاوت میکنند، توسعه صادرات، امکان رشد سریعتر ارزش افزوده و اشتغال نیروی کار غیر متخصص را برای همان نرخ تشکیل سرمایه‌های فیزیکی و انسانی

موجود فراهم می‌سازد. تحت چنین شرایطی، وسعت بیشتر بازاریابی، گسترش آندسته از صنایع صادراتی را که بطور نسبی نیروی کار غیرماهر را بکار می‌برد، تشویق می‌نماید. در صورتیکه جایگزینی واردات، گسترش این صنایع را به نرخ رشد تقاضای داخلی محدود می‌سازد، بدین معنی که تولید باید بحدی رشدیابد که برای جایگزینی واردات کافی باشد. بنا بر این رشد تولید و وابستگی شدیدی به افزایش درآمد واقعی و تقاضا دارد. (مگر اینکه هزینه‌ها و قیمت‌ها کاهش یابند).

### صنعت نوپا - بحث صنعت نوپا از دید زبرای توجیه حمایت

از صنایع داخلی بکار گرفته شده است. با توجه به تجربه توسعه صادرات در کشورهای در حال توسعه، زمینه‌های اساسی برای این اعتقاد وجود دارد که صنایع نوپا پس از توسعه یافتن می‌توانند (در حقیقت باید) تا حدی فراتر از اندازه بازار داخلی گسترش یابند. محدود ساختن تولید این صنایع به میزان تقاضای بازار داخلی، لزوماً "منافع پویای ناشی از توسعه صنعت را به حدی بسیار پایین تراز آنچه در صورت تشویق صنعت به صادرات امکان پذیر است، تنزل میدهد. با توجه به این نکات هیچ موردی وجود ندارد که نشان دهد در مورد صنایع نوپا، جایگزینی واردات یا بطور کلی حمایت‌گرایی، به یک استراتژی توسعه صادرات یا یک استراتژی بیطرفانه رجحیت دارد.

### وابستگی متقابل و کیفیت - تولید کارآی اکثر کارگاه‌های ساخته

شده مستلزم بکارگیری انواع گسترده‌ای از داده‌ها می‌باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، کشورهای بی‌کیفیت استراتژی جایگزینی واردات را (بدلیل کمبود رزوبه منظور اجرای درجه‌ای از حمایت) انتخاب کرده‌اند، تولیدکنندگان را ملزم می‌نمایند که داده‌های واسطه‌ای خود را در صورت امکان از تولیدکنندگان حمایت‌شده داخلی بدست آورند. زمانیکه چنین

تولیدکنندگان حمایت شده‌ای بدلیل عدم وجود رقابت، استانداردهای مطلوب کنترل کیفیت را رعایت نمیکنند، استفاده از تولیدات آنها هزینه‌ها را افزایش داده و کیفیت تولید را در سایر واحدهای تولیدی پائین می‌آورد.

تقاضا برای داده‌های واسطه‌ای عموماً "تأخیدی اختصاص یافته‌اند. این بدان معنی است که تعداد معدودی تولیدکننده داخلی برای هر یک از این داده‌ها وجود دارد. در نتیجه، وقفه در تولید (یا حتی پائین بودن کیفیت داده‌ها) در یک بخش اقتصاد بسیار سریع بر سایر واحدها و صنایع اثر می‌گذارد. این امر بنوبه خود، هزینه‌های مصرف‌کنندگان داده‌های واسطه‌ای را افزایش میدهد.

در یک سیستم تجارت آزاد، صادرکنندگان برای داده‌های واسطه‌ای خود به بازارهای بین‌المللی دسترسی دارند. آزادی آنها در انتخاب، امکان استفاده از ارزاترین و مطمئن‌ترین منبع و در نتیجه کاهش هزینه تولید را فراهم می‌سازد. اهمیت این امر از آنجا روشن میشود که در کره جنوبی، حتی با وجود اینکه در دهه ۱۹۶۰ صادرات شامل کالاهای مصرفی نسبتاً "کاربر بود، لکن حدود ۵ درصد ارزش این صادرات را واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد خام تشکیل میداد.

## رفتار اقتصادی

oooooooooooooooooooo

زمانیکه صنایع بوسیله حمایت تشویق میشوند، وسعت نسبتاً "محدوداً غالب بازاری داخلی باعث میشود که شرکتهای تولیدکننده یک محصول خاص، بسیار معدوداً بسیار کوچک باشند. هر سبستی که با افزایش تعداد شرکتهای در یک زمینه خاص، رقابت را تشویق نماید، باعث کوچک

شدن اندازه شرکتها و در نتیجه از بین رفتن صرفه جویی های مقیاس تولید میشود .  
 بعلاوه بسیاری از مکانیسمهای محدودیت واردات در واقع مانع ورود شرکت های  
 جدید در صنعت شده و بدون توجه به تعداد شرکتها ، امکان رقابت را کاهش میدهد .  
 به عنوان مثال ، مکانیسم کسب مجوز که اغلب مواجه با آن هستیم ، کالاهای  
 واسطه ای و مواد خام وارداتی را به نسبت سهم شرکتها در ظرفیت صنعتی یس  
 تولیدی ، به آنها تخصیص میدهد . تا جائیکه تولیدات و داده ها کم و بیش نسبت  
 ثابتی با یکدیگر دارند و فروش مجدد داده ها پرهزینه و یا ممنوع میباشد ،  
 مکانیسم فوق با عث ثبات نسبی سهام بازاری شده و رقابت بین شرکتهاراکاهش  
 میدهد . این امر توام با کوچکی بازار و محدودیت گسترش هر یک از صنایع تا حد  
 نرخ رشد بازار داخلی ، عموماً باعث میشود که نرخ رشد غالب شرکتهای صنایع نسبتاً  
 یکسان باشد . بنا بر این تغییرات سهم های بسیار کندتر از آن چیزی است که در یک  
 محیط رقابتی رخ میدهد . عدم وجود رقابت احتمالاً "میزان توجه هر یک از کسار -  
 فرمایان را نسبت به کارآئی اقتصادی و تکنیکی خود کاهش میدهد .  
 زمانیکه رشد صنعتی بر مبنای بازار رقابتی بین المللی باشد ،  
 شرکتهای میتوانند بدون توجه به اندازه ، قیمت یا تقاضای بازار داخلی ،  
 اندازه مطلوب اقتصادی خود را داشته باشند . شرکتهای با هزینه پائین در  
 هر صنعت میتوانند با نرخ مطلوب خود گسترش یابند ، بدون اینکه از جهت  
 دسترسی به مواد خام یا کاهش قیمتی تقاضای داخلی برای تولید خود ، تحت  
 فشار باشند . این امر باعث کاهش بیشتر هزینه ها و گسترش تولید بیش از  
 آنچه که تحت شرایط حمایتی امکان پذیر میبود ، میشود ، بعلاوه ، زمانیکه  
 صنایع دارای مزیت نسبی بتوانند صادرات سودآوری داشته باشند ، قادرند  
 سهم تولید صنعتی خود را با نرخ سریعتری نسبت به زمانیکه رشد آنها محدود بد  
 سهم آنها در بازار کم تحرک داخلی باشد ، افزایش دهند .  
 بنا بر این به میزانی که بازارهای رقابتی ، فعالیتها یی با

هزینه پائینی را در موسسات خصوصی تشویق نماید، این احتمال وجود دارد که یک استراتژی توسعه صادرات، باعث تشویق بیشتر کارآیی اقتصادی و تکنیکی خواهد شد. برای هر توزیع هزینه معین در داخل یک صنعت، امکان صادرات، تغییر سریعتر سهم بازار را ممکن میسازد. نهایتاً "تغییر سهم هر صنعت در تولیدات صنعتی، میتواند نرخ متوسط افزایش بهره‌وری عامل تولید و بخش صنعتی را افزایش بیشتری دهد.

## سیاست‌گذاری

oooooooooooooooooooo

آن گروه از ابزارهای سیاست دولت که تنظیم و کنترل را از طریق ابزار منفی (نظیر محدودیتهای وارداتی) دنبال میکنند، نسبت به ابزارهایی که برای انواع خاصی از فعالیتهای اقتصادی ایجاد انگیزه می نمایند، احتمال کمتری برای دستیابی به نتایج مورد نظر دارند. با این حال، بنظر میرسد که برای سیاستگذاران، تنظیم سیستم فعالیتهای اقتصادی بسیار جذابتر از ایجاد انگیزه‌هاست.

در یک سیستم توسعه صادرات محدودیتهای آشکاری بسبب برای کنترل‌های کمی قابل وضع وجود دارد. از آنجائیکه صادرکنندگان باید برای داده‌های خود امکان دسترسی سریع به بازارهای بین‌المللی داشته باشند، فراهم نمودن این امکان، تا حد زیادی زمینه محدودیتهای کمی را برای هر طبقه از واردات، کاهش می دهد. اگر محدودیتهای کمی بشدت محدودکننده باشند، گریز از آنها منافع سرشاری خواهد داشت. اجرای این محدودیتهای تنها با بازرسی نسبتاً "دقیق تمام کالاهای وارداتی امکان پذیر است. این بازرسی دقیق با نیاز صادرکنندگان به دسترسی ساده و سریع، هماهنگ نیست. بنابراین، این حقیقت که

بسرخی از واردات، کالاهای واسطه‌ای مورد استفاده صادرکنندگان  
میباشد، محدودیتی را در سطح حمایت از فعالیتهای تولیدی از طریق  
محدودیت‌های کمی واردات، ایجاد نمی‌نماید. (البته، واردات کالاهای  
لوکس جزء این گروه بحساب نمی‌آیند).

سیاست‌های توسعه صادرات بر اساس طبیعتشان صادرکنندگان  
را پاداش داده و بین کالاهای قابل صدور تبعیضی قائل نمی‌شوند. از  
آنجا نیکه پاداشها بر مبنای عملکرد می‌باشد و عملکرد نیز ارتباط زیادی  
با سودآوری اجتماعی آن فعالیت دارد، در سیاست توسعه صادرات نسبت  
به سیاست جایگزینی واردات، تمایل ذاتی بیشتری به تغییرپذیری  
کمتر انگیزه‌ها وجود دارد.

با زیافت اطلاعاتی سیاستگذاران در مورد اثرات منفی  
سیاست‌هایشان، تحت یک سیستم توسعه صادرات بسیار قوی ترازیستم  
جایگزینی واردات است. برای مثال، بازتاب یک نرخ ارز، که بیش از  
ارزش واقعی آن تعیین شده در کندی صادرات تحت یک سیستم توسعه  
صادرات بسیار آشکارتر از انعکاس آن از طریق افزایش هزینه پرداخت  
برای مجوزهای وارداتی در سیستم جایگزینی واردات است. این امکان  
کامل وجود دارد که محدودیت‌های حاکم بر طبیعت سیاست‌های بکار  
گرفته شده و اخذ سریع‌تر اطلاعات توسط سیاستگذاران در مورد آثار  
سیاست‌هایشان، حداقل به اندازه عوامل تکنولوژیکی اقتصادی که  
قبلاً ذکر شد، در بیان موفقیت سیاست‌های توسعه صادرات دارای اهمیت  
باشد. البته تعیین میزان نقش آنها نیاز به یک تحقیق وسیع دارد.

در اینجا باید به بعد دیگری از برگشت اطلاعات که بالقوه مهم  
اما احتمالاً غیر قابل اندازه‌گیری است اشاره کرد. در سیستم جایگزینی  
و کنترل مستقیم واردات، شرکت‌ها انگیزه‌هایی برای دگرگون جلوه

دادن فعالیت‌های خود دارند، بگونه‌ای که باعث دریافت بیشتر مجوزهای وارداتی و سایر امتیازات و مجوزها شود. مقامات رسمی دولت معمولاً نسبت به اطلاعاتی که به آنها ارائه می‌شود، بدگمان هستند. بنا براین به بررسی و تصدیق اظهارات تولیدکنندگان قبل از اقدام بر اساس درخواست آنها نیاز دارند. در سیستم توسعه صادرات با یک نرخ ارز نسبتاً واقع بینانه انگیزه و زمینه برای دگرگون جلوه دادن عملکرد بسیار کمتر است و تسلیم عایدات ارزی دلیل کافی برای صادرات است.

### نتیجه‌گیری

oooooooooooooooo

نرخ‌های رشد کشورهای پیرو سیاست توسعه صادرات نشان می‌دهد که قطعاً "عالمی غیر از اشراف مستقیم صادرات در ارتباط با رشد بالاتر عملکرد این کشورها، مطرح است. زمانیکه به نقد برخی از پایه‌هایی که عملکرد بالاتر فوق بر آن استوار است بپردازیم، اغلب عواملی که قبلاً "بنظر میرسد توجیه‌کننده سیستم‌های حمایتی باشند، در حقیقت بجای کمک به تولید برای یک بازار داخلی حمایت شده، بصورت توجیهی برای حمایت صادرات درمی‌آیند.

اینکه آیا نرخ بالاتر رشد دلیل این است که سیستم‌های توسعه صادرات عملاً "به تخصیص مطلوب منابع در شرایط تجارت آزاد نزدیکتر است و یا اینکه دلیل عملکرد بالاتر، قدرت آنها در کسب منافع پویای توأم با استراتژی توسعه صادرات است، هنوز روشن نیست. آنچه که قطعی بنظر میرسد این است که وجود عوامل پویا بهیچ وجه این احتمال را ایجاد نمی‌کند که افزایش رشد از طریق حمایت از بازار داخلی بالاتر از رشد استراتژیهای بیطرف یا استراتژی توسعه صادرات باشد.



تا آنجا نیکه نتایج بهتر حاصل در سیستم توسعه صادرات بیشتر از عوامل تکنولوژیکی ناشی از تفاوت‌های رفتاری باشد، حقیقت با زیودن اقتصاد بیشتر از رشد صادرات، به عنوان عامل مهمی در افزایش سریع تولید و کارآیی بشمار میرود. توجه به این نکته برای ارزیابی دورنمای رشد آینده کشورهای در حال توسعه، در قالب توسعه بالقوه کندتر تجارت جهانی، مهم و قابل توجه است. اگر با زیودن اقتصاد خود به تنهایی منافع ناشی از رقابت و سیاست‌های بکار گرفته شده را در بر داشته باشد، منافع ناشی از توسعه صادرات (به شرط بازباقی ماندن اقتصاد جهانی)، بدون توجه به رشد کندتری سریع‌تر تجارت جهانی به یک اندازه دارای اهمیت خواهد بود.

خواننده محترم سلام علیکم

کتابخانه مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی جهت اطلاع محققان و کارشناسان از آخرین انتشارات گزارشات بازرگانی و اقتصادی نشریه چکیده نامرئانه‌های کتابخانه، راکه در برگیرنده مدارک جدید مهم از کتاب، مجله، گزارش می‌باشد طی ماه به کتابخانه رسیده است، بطور مابیان نیز منتشر می نماید.

در صورت تمایل به اشتراک این نشریه می‌توانید اشتراک آن (شش ماهه ۶۰۰ ریال) را به حساب شماره ۲۸۹۹ بانک ملی ایران شعبه کریم خان نهد، تهران واریز و اصل فیش بانکی را همراه با آدرس دقیق و مشخصات خود جهت اقدامات بعدی به نشانی مؤسسه ارسال فرمائید.

تغییر آدرس یا هرگونه اشکال در دریافت این نشریه را به نشانی مؤسسه ارسال یا از طریق شماره تلفن ۸۳۹۶۳۸ یا مؤسسه در میان بگذرید.

کتابخانه مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی

منبع :